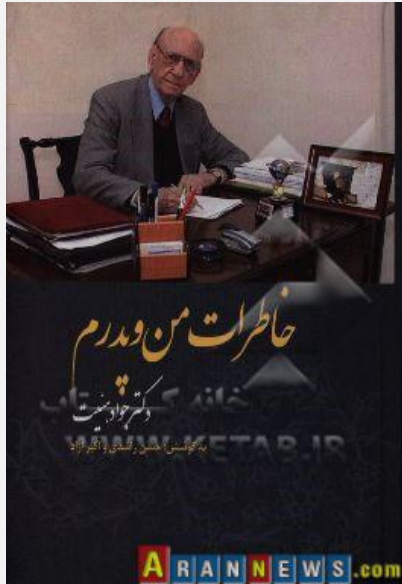


مرحوم دکتر جواد هیئت بخش دیگری از کمک های ایران به جمهوری آذربایجان را در جنگ قره باغ آشکار کرد

دکتر هیئت در صفحه 326 این کتاب خاطره ای از مداوای مجروحین جنگ قره باغ را در تهران این چنین روایت می‌کند: در سال ۱۹۹۳ یک روز خواهرزادهام دکتر آقاییگ از باکو تلفن کرد و گفت که: «۴۸ ساعت دیگر، همراه یازده مجروح جنگ قره باغ که همه افسر و یا افراد پلیس‌اند، با رییس بهداری وزارت کشور دکتر صفر علی‌یف و من (دکتر آقاییگ) به تهران می‌آییم. و از من خواست زمینه های معالجه آن‌ها را، در بیمارستان‌های دولتی تهران، به طور رایگان فراهم کنم!»



به گزارش آران نیوز، خاطرات دکتر جواد هیئت از کمک های ایران به جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ اخیراً در کتاب «خاطرات من و پدرم» به روایت خود دکتر جواد هیئت به چاپ رسیده است.

علاوه بر جذابیت‌های فراوان و روایت‌های دست اول کتاب که دکتر جواد هیئت جراح و ترک شناس مشهور ایرانی از دوران تحصیل خود، در تبریز، استانبول، پاریس و سپس اولین جراحی قلب باز در ایران ارائه کرده است، در این کتاب چند خاطره بسیار مهم نیز از ایشان در رابطه جنگ قره باغ به عنوان سند معتبر جلب توجه می‌کند.

دکتر هیئت در صفحه 326 این کتاب خاطره ای از مداوای مجروحین جنگ قره باغ را در تهران این چنین روایت می‌کند: در سال ۱۹۹۳ یک روز خواهرزادهام دکتر آقاییگ از باکو تلفن کرد و گفت که: «۴۸ ساعت دیگر، همراه یازده مجروح جنگ قره باغ که همه افسر و یا افراد پلیس‌اند، با رییس بهداری وزارت کشور دکتر صفر علی‌یف و من (دکتر آقاییگ) به تهران می‌آییم. و از من خواست زمینه های معالجه آن‌ها را، در بیمارستان‌های دولتی تهران، به طور رایگان فراهم کنم!»

من فوراً به وزارت بهداری ایران رفتم و از وزیر وقت آقای دکتر ملک زاده اجازه ملاقات خواستم. ایشان مرا همان روز پذیرفت. من جریان را برای ایشان بازگو کردم و تقاضا کردم: «دستور بدهند بیماران مجروح جنگی جمهوری آذربایجان را مجاناً در بیمارستان بپذیرند؛ و وسایل انتقال آن‌ها را از فرودگاه به بیمارستان فراهم نمایند.»

ایشان گفتند: «شما نامه‌ای خطاب به وزیر بهداری بنویسید.»

من هم فوراً نامه را نوشتم و به ایشان دادم. زیر نامه دستور کتبی دادند که مجروحین جمهوری آذربایجان را باید رایگان بپذیرید و مداوا کنید. نامه را گرفتم و بعد از سپاس گذاری، پیش معاون درمانی و مدیر کل رفتم. نامه‌ی وزیر به شکل بخشنامه به همه بیمارستان‌های تهران، تبریز و اورمیه ابلاغ شد و وسایل انتقال بیماران هم فراهم گردید.

روز بعد، بیماران همراه دکتر آقاییگ و پزشک بهروز صفر علی‌یف آمدند و همه در بیمارستان ۱۵ خرداد بستری شدند. با این ترتیب 155 مجروح (جنگی) قره باغ، به تهران آمدند و در بیمارستان‌های ما تحت درمان و عمل جراحی قرار گرفتند و غیر از یکی، همه آنها بهبود پیدا کردند و به وطن خود بازگشتند.

اغلب مجروحین را دکتر هزوه‌ای رییس بیمارستان عمل می‌کرد. دو نفر از آن‌ها را که گلوله و خمپاره، یکی در ریه و دیگری داخل پریکارد بود من عمل کردم. بیمار آخر سرگرد معارف بود که بعد از مراجعت در تلویزیون باکو صحبت کرد و از ما و بیمارستان ۱۵ خرداد تشکر نمود.

بعد از چند سال وقتی آقای هاشمی‌رفسنجانی رییس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران از باکو دیدن می‌کرد، عده‌ای از مجروحین در بیمارستان پلیس باکو جمع شدند و در رابطه با خدمات ما به (از) ریاست جمهوری اسلامی ایران سپاسگذاری کردند.

همچنین در صفحه 368 این کتاب آمده است: یک روز عصر (نصیب نصیب‌زاده سفیر وقت جمهوری آذربایجان) با حال ناراحتی به منزل من آمد و گفت: «دولت ترکیه حاضر شده برای جنگ قره باغ به ما کمک نظامی بکند. باید از ایران بگذرد. ولی ایران راه نمی‌دهد. من می‌خواهم با دکتر ولایتی وزیر خارجه ملاقات کنم، وقت نمی‌دهند. نمی‌دانم چه کار بکنم.»

گفتم: «فردا صبح برو قم ملاقات آیت الله مشکینی، او آذربایجانی است و برای تو وقت می‌گیرد.»

او همان شب به قم می‌رود و ساعت ۴ صبح به خانه آیت الله می‌رسد و او را از خواب بیدار می‌کند و مسئله را با او در میان می‌گذارد. آیت‌الله با تلفن برای او وقت می‌گیرد. نصیب نصیب‌زاده همان روز به تهران بر می‌گردد و با دکتر ولایتی ملاقات می‌کند و از او کمک می‌خواهد. دکتر ولایتی می‌گوید: «ما حاضریم به ترک‌ها راه بدهیم. شما به سفیر ترکیه بگویید ما آماده ایم.»

دکتر نصیب خوشحال می‌شود و فوراً پیش سفیر ترکیه می‌رود و جریان را به اطلاع او می‌رساند. به باکو هم گزارش می‌دهد. دکتر جواد هیئت در ادامه در خاطرات خود نوشته است: «متأسفانه بعد از دو هفته از جانب ترکیه خبری نشد و بالاخره نصیب

نصیب زاده مایوس پیش من آمد و جریان را برای من بازگو کرد. « لازم به یادآوری است کتاب "خاطرات من و پدرم" به قلم مرحوم دکترجواد هیئت جراح معروف قلب ایرانی و به کوشش آقایان اکبر آزاد و حسن راشدی در قطع رقعی و 405 صفحه در انتشارات "آوای منجی" شهر قم در سال جاری(1396) به چاپ رسیده است.